

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس یکشنبه ۲۹ فروردین ۱۳۱۶ #

فهرست مطالب

- ۱) تصویب صورت مجلس  
 ۲) تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای وزیر عدلیه  
 ۳) شور و تصویب لایحه اعطای اختیار یکمسیون قوانین عدلیه
- ۴) شور دوم خبر کمیسیون قوانین عدلیه راجع به مقررات یمه  
 ۵) تصویب یک فقره مرئوس  
 ۶) موع و دستور جلسه بعد - ششم جلسه

(مجلس يك ساعت و چهل دقیقه قبل از ظهر بریاست آقای بیات (نایب رئیس) تشکیل گردید)

صورت مجلس شنبه ۲۹ فروردین را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند ##

و یکی هم راجع به مجازات کاتبیکه از ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی تغلف میکنند.

[ ۳ - شور و تصویب لایحه اعطای اختیار یکمسیون قوانین عدلیه ]

مجلس شورای

نظر بانکه مقتضی است بعضی از لوابیح بیستنهادی وزارت عدلیه قبل از اینکه در مجلس شورای ملی طرح و تصویب گردد مطابق سوابق موجوده در کمیسیون قوانین عدلیه مطرح وبعد از تصویب کمیسیون به موقع اجرا و آزمایش گذاشته شود

[ ۱ - تصویب صورت مجلس ]

لایب رئیس - آقای جلالی

جلالی - بنده راجع به غالب بودن عربیه عرض کرده بودم و بموجب تصدیق آقای دکتر نیرومند تقاضای مرخصی نموده بودم و حالا این جا بی اجازه نوشته اند

لایب رئیس - اصلاح خواهد شد. در صورت مجلس نظری نیست ؟ (گفته شد - خیر) صورت مجلس تصویب شد [ ۳ - تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای وزیر عدلیه ] وزیر عدلیه - دو فقره لایحه است تقدیم میکنم یکی راجع به تجدید اختیار کمیسیون عدلیه با قید دو فوریت

## عین مذاکرات مشروح بود و همین جلسه از دوره دهم تقنینیه (مجلس نهم ۸ آفرین ۱۳۰۰)

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

## اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین بی اجازه - آذغان ، فلاحین ملک - مؤید لوامی - شیرازی - ترا - سلطان - دکتر ادم - اعظم زنگ - قرونی  
 علوی سبزواری - جلالی - قاطبی - بزدهی - دکتر فرزانج - دبیر سهرابی - ناسری - دهستانی - هدایت - مراد ابراهیمی دیگری  
 در آمدگان بی اجازه - آذغان ، کاشف - نیک پور - دکتر سیمی - هراز - بیات ماکو

موافقت نمودند قیام فرمایند ( اکثر قیام بودند ) تصویب شد  
[ ۳ - شور دوم کبیر کمیسیون قوانین عدلیه راجع  
مقررات پنجم ]

**لایحه رئیس -** خبر کمیسیون قوانین عدلیه راجع به  
مقررات بیسه برای شور دوم مطرح است .

خبر از کمیسیون قوانین عدلیه به مجلس شورای ملی .  
کمیسیون قوانین عدلیه لایحه شماره ۳۹۰۹۳ دولت  
راجع به مقررات بیسه درباری شوردهائی با حضور آقای وزیر عدلیه  
تحت شور و مذاقه فراراده . با مطالعه به پیشنهاد آقایان  
نایندگان و طرح و تعدیل مواد و بالتجلیه غیر شور

اول با اصلاحاتی صحیح و اینک مواد ذیل را بعنوان غیر  
شور ملی به مجلس شورای ملی پیشنهاد نمایند ؛

**لایحه رئیس -** چون لایحه طبع و توزیع شده محتاج  
به قرائت نیست . ماده اول قرائت میشود .

مطالبات بیسه

ماده اول - بیسه عقدی است که بموجب آن یکطرف  
نمهد بکنند در ازاه برداختن وجه یا زوجی از طرف دیگر  
در صورت وقوع یا بروز حادثه خسارت وارده بر اوارا چیران  
نموده یا وجه معینی بپردازد .

متعهد را بیسه که طرف متعهد را بیسه گذار و جوی و آکه  
بیسه گذار به بیسه که در فریاد حق بیسه و آنچه را که بیکه

بیسه میشود موضوع بیسه نامند .

**لایحه رئیس -** آقای چیشندی

**چیشندی -** این ماده اول تعریف بیسه است تعریف  
باید جامع و مانع باشد . این جا یکویه ( بیسه عقدی است  
که بموجب آن یکطرف نمهد میکند که در ازاه برداخت  
وجه یا زوجی از طرف دیگر در صورت وقوع یا بروز  
حادثه خسارت وارده بر اوارا چیران نموده یا وجه معینی  
بپردازد ) بنده میخواهم بدانم آیا طرف دیگر در مقابل  
این چیران خسارتی که بیسه کرد میکند نمهدی ندارد یا دارد ؟  
لو هم باید نمهد میکند باینکه اقساط خود را بپردازد یا  
مطابق مقررات رفتار کند و این قبیل تعریف از یکطرف

ماده واحد - وزیر عدلیه مجاز است لوائح قانونی  
را که به مجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید پس از تصویب  
کمیسیون فعلی قوانین عدلیه به موقع اجرا گذارده و پس از  
آزمایش آنها در عمل نواحی را که ضمن جریان ممکن است  
معارض شود رفع و قوانین مزبوره را تکمیل نموده . نسبتاً  
برای تصویب مجلس شورای ملی پیشنهاد نمایند لوائح  
مزبوره در کمیسیون مطرح و پس از شور اول طبع و توزیع  
خواهد شد تا نایندگان نظریات خود را در موضوع لایحه  
در ظرف هشت روز از تاریخ توزیع کتب بیسیون بدهند و  
شور دوم بعد از انقضای هشت روز بعمل آید .

**لایحه رئیس -** نسبت به صورت مذاکره است ( اظهار  
شد - مخالفی نیست ) رأی گرفته میشود بقررت اول آقایان  
که موافقت نمودند قیام فرمایند ( اغلب قیام بودند ) تصویب  
شد . نسبت به صورت ثانی هم مخالفی نیست ؟ ( گفته شد - غیر )  
رأی دیگری بقررت ثانی آقایان که موافقت نمودند اظهار  
موافقت فرمایند ( اکثر قیام نمودند ) تصویب شد ماده  
واحد فرات می شود ؛

ماده واحد - وزیر عدلیه مجاز است لوائح قانونی را  
که به مجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید پس از تصویب  
کمیسیون فعلی قوانین عدلیه به موقع اجرا گذارده و پس از  
آزمایش آنها در عمل نواحی را که ضمن جریان ممکن است  
معارض شود رفع و قوانین مزبوره را تکمیل نموده نسبتاً برای  
تصویب مجلس شورای ملی پیشنهاد نمایند لوائح مزبوره  
در کمیسیون مطرح و پس از شور اول طبع و توزیع خواهد  
شد تا نایندگان نظریات خود را در موضوع لایحه در  
ظرف هشت روز از تاریخ توزیع کتب بیسیون بدهند و شور  
دوم بعد از انقضای هشت روز بعمل آید .  
**لایحه رئیس -** رأی دیگریم بماده واحد لگابانی بیکه

نده است در حالتیکه بمقیده بنده باید از هر دو طرف  
تصرف شود .

**بگیر کمیسیون عدلیه ( آقای نبات ) -** عرض کنم  
کلیه عقد که اینجا ذکر شده چون عقد طرفینی است وقتی  
کفایت بیسه عقدی است البته هم طرف ایجاب دارد و هم  
طرف قبول و بالاخره بک قرارداد هائی هم دارد که بموجب  
آن نهدات بیسه گذار هم در مواد آتی معین میشود

**لایحه رئیس -** آقای عرفانی

**عرفانی -** بطوری که آقای غیر جواب فرمودند تصور  
میکند که جوابشان مفتح نبود بیسه عقدی است البته عقد  
در طرف دارد ایجاب و قبول ولی در تعریف عقد را بک  
طرف قرار داده اند چرا ؟ چون میباید بیسه عقدیست  
که بموجب آن عقد یکطرف نمهد میکند بنا بر این اشکال  
آقای چیشندی وارد است تعریف باید هم مانع باشد هم  
جامع این جا که آقای غیر جواب دادند عهد و موطن دارد  
البته عقد در طرف دارد ولی در این جا یکطرف را  
بواسطه این عبارت از بین برده است . بیسه عقدی است  
که یکطرف این عهد را میکند این را نمیشود عقد گفت

**لایحه رئیس -** آقای وزید احمدی

**وزید احمدی -** همینطوری که آقای چیشندی فرمودند  
تعریف باید جامع باشد افراد خود را و مانع باشد از  
دخول غیر . ماده اول تعریف بیسه است بعهده بنده در  
طرف را ذکر کرده است توجه بفرمایش البته عقدی که شد

طرفینی است بک طرف چه میکند هرگاه خسارتی به بیسه  
گذارد هم وارد شود چیران میکند طرف دیگر چه میکند  
وجه میدهد و در ازاه وجهی که میدهد آن طرف هم این کار  
را میکند . آنوقت تعریف ترتیب برداخت وجه را در مواد  
بعد ذکر کرده پس در تعریف همین اشاره کرده است  
کافی است که یکطرف نمهد میکند وجهی بدهد و طرف  
دیگر هم نمهد میکند که چیران خسارت نماید در موقع  
بروز حادثه یا در قسمت هر عریس طرفین نمهد دارند  
یکی نمهد چیران در موقع وقوع حادثه یکی نمهد برداخت

۱ - تاریخ انعقاد قرارداد  
۲ - اسم بیسه که و بیسه گذار  
۳ - موضوع بیسه  
۴ - حادثه یا خطری که عقد بیسه به بناسبت آن بعمل  
آید است .  
۵ - ابتداء و ایتحای بیسه

پول که در هر ماه بدهد تعریف طرفین را دارد بهتر عرض  
که چه جور باشد و چطور بدهد در مواد بعد ذکر شده  
**لایحه رئیس -** آقای دکتر طاهری  
**دکتر طاهری -** بنده موافقم  
**لایحه رئیس -** آقای افضلسازاده  
**افضل سازه -** بنده در اصل موضوع عرضی ندارم فقط  
اصلاح عبارتی میخواستم عرض کنم در لایحه در شور  
اول بود بیسه ده و بیسه که بعد در کمیسیون شد بیسه گذار  
در این جا باز نوشته است بیسه ده بنده خواستم اجازه فرمایند  
بیسه گذار شود  
**بگیر -** صحیح است آهم بیسه گذار است اشتباه در  
چاپ شده است .  
**لایحه رئیس -** آقای وزیر عدلیه  
**وزیر عدلیه -** بل بنده هم موافق هستم .  
**لایحه رئیس -** رأی دیگریم بماده اول با اصلاح پیشنهادی  
آقای افضلسازاده که آقای وزیر عدلیه و غیر کمیسیون هم  
قبول نمودند آقایان موافقت قیام فرمایند ( اکثر قیام  
نمودند ) تصویب شد . ماده دوم قرائت میشود .  
ماده دوم - عقد بیسه و شرایط آن باید بموجب سند  
کتبی باشد و سند مزبور موسوم به بیسه نامه خواهد بود  
**لایحه رئیس -** نسبت بماده دوم مخالفی نیست ( گفته  
شد - خیر ) رأی دیگریم بماده دوم آقایانیکه موافقت قیام  
فرمایند ( اغلب قیام نمودند ) تصویب شد ماده سوم قرائت  
می شود .  
ماده ۳ - در بیسه نامه باید امور ذیل بطور صریح  
قید شود  
۱ - تاریخ انعقاد قرارداد  
۲ - اسم بیسه که و بیسه گذار  
۳ - موضوع بیسه  
۴ - حادثه یا خطری که عقد بیسه به بناسبت آن بعمل  
آید است .  
۵ - ابتداء و ایتحای بیسه

۶ - حق بیمه

میزان نهاد بیمه که در صورت وقوع حادثه .

**لایحه مجلس** - معافیت بیمه (غیر) آقایان موافقین پیام فرمایند (اغلب برخاستند) تصویب شد ماده چهارم فراتر میبود

ماده ۴ - موضوع بیمه ممکن است مال باشد امم از عین یا منتفص با هر حق مالی یا هر نوع مسئولیت حقوقی مشروط بر اینکه بیمه گذار نسبت به بقای آنچه بیمه میدهد نفع نمی باشد و همچنین ممکن است بیمه برای حادثه یا خطری باشد که از وقوع آن بیمه گذار متضرر نمیکردد .

**لایحه مجلس** - آقایان موافقین - با ماده چهارم قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد ماده پنجم فراتر میبود

ماده ۵ - بیمه گذار ممکن است امویل باشد یا بیکی از عناوین قانونی نمایندگی صاحب مال یا شخص ذینفع را داشته یا مسئولیت جنسی آرا از طرف صاحب مال داشته باشد .

**لایحه مجلس** - آقایان موافقین با ماده پنجم قیام فرمایند (اغلب برخاستند) تصویب شد ماده ششم فراتر میبود

ماده ۶ - هر کسی بیمه میدهد بیمه متعلق بخود اوست مگر آنکه در بیمه نامه تصریح شده باشد که مربوط بدیگری است لیکن در بیمه حمل و نقل ممکن است بیمه نامه بدون ذکر اسم (بنام حامل) تنظیم شود .

**لایحه مجلس** - آقای اعضا مزاده

**اعتضای مزاده** - باز هم در این جا بک اصلاح عبارتی است می نویسد : هر کسی بیمه میدهد چون اینهمه بیمه گذار است اجازه فرمایند نوشته شود هر کسی بیمه میگذارد .

**لایحه مجلس** - آقای غیر با این اصلاح موافقت :  
**مجلس** - هر چه جای نقد شده به بیمه گذار و این عبارت مشغول این مورد نیست

**لایحه مجلس** - آقای اعضا مزاده پیشنهاد میفرمایند که

رای بکیرم ؟

**اعتضای مزاده** - غیر پس بکیرم .

**لایحه مجلس** - رای بکیرم بماده شش آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد . خواهش میکنم در موقع رای آقایان توجه فرمایند . ماده هفتم فراتر میبود

ماده ۷ - طلبکار میتواند مالی را که در نزد او وثیقه یا رهن است بیمه دهد

در این صورت هرگاه حادثه نسبت به مال مزبور رخ دهد از خساراتی که بیمه گر باید بپردازد تا میزان آنچه را که بیمه گذار در تاریخ وقوع حادثه طلبکار است به شخص او وثیقه صاحب مال تعلق خواهد کرد

**لایحه مجلس** - آقای اورنگ

**اورنگ** - در این ماده هفتم ذکر میکند که اگر مالی پیش کسی رهن وثیقه است و نسبت باو خسارتی وارد شد بیمه گر باید آن خسارت را تقسیم بکند آنچه که میزان طلب طلبکار است به طلبکار بدهد آنچه را که مازاد است بایستی صاحب مال رد کند در عبارتت وافی به رد کردن آن مازاد صاحب مال نسبت عبارت وافی نیست که آن بیمه گر پولی را که باید بدهد در موقعی که مال ازین رفته بقدری که من طلبکارم از آن مال پول بمن بدهد و مازاد آرا به صاحب مال بدهد و عبارت وافی باین مقصود نیست ذیل عبارت این است که میگوید (در تاریخ وقوع حادثه طلب کار است شخص او و بقیه صاحب مال تعلق خواهد گرفت) بنده عقیده ام این است یعنی غرض این است که عوض این کلام تعلق خواهد گرفت اگر مقصود است بکلام بگذاریم که صاحب مال رد خواهد شد . چون ممکن است بک بیمه گری باشد که بگوید این تعلق دارد باو ولی من حالا ملزم نیستم یاو بدهم بجای این عبارت تعلق خواهد گرفت اگر نبود بنویسیم صاحب مال رد خواهد کرد بنویسد بنده روشن تر میشود و تکلیف آن بیمه گر هم واضحتر میشود

و صاحب مال رد میکند .

**مجلس** - کو با آقایان اصل موضوع موافقت فرمودند فقط اشکال در تعلق است که کلام تعلق خواهد گرفت تبدیل شود به رد خواهد کرد ولی چون هفتمی یکی است البته موافقت میفرمایند که بهین صورت باشد چون در اینجا رعایت این نکته شد که آن کسیکه مال نزد او وثیقه است تا حدی که طلبکار است حق عینی بیاد دارد بنابراین تا میزان طلبش حق عینی او محفوظ است وثیقه متعلق باو نیست و حتی که متعلق به او بود باید استرداد کند لازمه این است (اورنگ) - مال که (سوغت) البته مال سوخت ولی وجه بیمه که معادل خسارت مال است در صورت سرهین میماند بایستی باو پیش او رهن است و در صرف او میماند البته کسیکه باو طلب خواهد پرداخت برادر و بقیه را صاحب بپردازد و تعلق مازاد صاحب مال بایستی در این جا قید خود و استرداد باید بواسطه قانونی باشد که یا میدهد یا ازش میگیرد بنا بر این تعلق خواهد گرفت بقیه بنده چیز است . و وافی تر است به مقصود .

**لایحه مجلس** - آقای عراقی

**عراقی** - در این ماده هفتم میگوید : طلبکار میتواند مالی را که در نزد او وثیقه است با رهن است بیمه دهد در این صورت هرگاه حادثه نسبت به مال مزبور رخ دهد این مال در معلوم است کیبکه بیمه میدهد نسبت بقیه و حق الضمانه را او معین میکند مال مال دیگری است پیش کسی وثیقه است بک بهای آن کسی سکه مال نزد او وثیقه است به اندازه طلب خودش آن مال را بیمه میدهد در صورتیکه این مال بک قبضه دارد فرضاً هزار تومان و پیش این آدم رهن است به سیصد تومان و او میخواهد برود بیمه دهد و مطابق این ماده او باید برود بیمه دهد در ماده سوم هم بود که میزان خسارت متعلق آنچه که معین شده بقیه باید شود در این ماده ۷ می نویسد میزان معینه را بیمه گر در صورت وقوع حادثه قسائل این بین بیمه گر و آن کسی است که برود بیمه میدهد ولی صاحب مال اطلاعی ندارد که او بیمه میدهد ممکن است البته چهار تومان را

صاحب وثیقه بیاید بک مبلغ کتری بیمه دهد در این ماده خسارت نوشته شود که کلام تعلق خواهد گرفت تبدیل شود **مجلس** - عرض کنم در مواد بعد بک تعیین تکلیفی شده است که کسی که مالی را در نزد کسی بیمه میگذارد بایستی مال عین بک باشد یا نمایندده صاحب مال باشد مالی پیش بنده رهن است بنده هم میشود امم مال آن را برد نمی گیری بیمه بگذاره البته دروی بک جنس یعنی که اگر تلف شود یا حادثه رخ دهد خسارتی را بکیرم که هم حق صاحب مال محفوظ مانده باشد و هم بنده بچشم برسم زیرا در غیر این صورت مسئولیت حفاظت قانونی بکیرم من بود اگر مال تلف شد و مطابق قانون مدنی اثبات تقریب نسبت بمن نبود من مسئولیت در مقابل صاحب مال ندارم در هر صورت ممکن است آن مالی که نزد من وثیقه بگذارند من برای حفظ حق خودم به بیمه بگذارم به قیمت واقعی خودش اضافه بر قیمت که محال است و در مواد بعد هم همین شده است که اگر اثبات شد مالی را به قیمت عادلانه رد کسی بیمه گذاشته است آن بیمه اصلاً باطل و منسوخ است و حتی پولهای هم که داده است پس بدهد پس بیمه گذاشتن علاوه بر قیمت مانع است آدمیم در قسمت کفر از قیمت فرض بفرمایند بک مالی در حدود دو مایون بک قیمت دارد آدمیم به نصف بیمه گذاشته ام برای اینکه بک پول بدهم معادل نصف بیمه میگذارم که من به مال خودم برسم ولو این که به نصف قیمت هم بیمه بگذارم ام چونت بیمه گر مطابق قیمت روز تلف بول میدهد این مال هم در نتیجه مرور ایام ممکن است تنزل حاصل کند قیمت روز تلف را حساب میکنند باهم کسی است اصلاً تلف نشود خسارت دیگری حاصل شود پانسیک پیدا کند در هر حال خسارات را بدها میدهد آن میزان باینر این گفته میشود که اگر جنس تلف شد و شخص که مال پیش او رهن است پولی از بیمه گرفت اگر آن پول اضافه باشد بر طلب ممکن است من بیشتر از طلب گرفته باشم بکنی بک خانه ده هزار تومان را با هزار تومان رهن گرفته ام و بدهم هزار تومان هم رهن داده ام اینجا

یکبار خود تومان خود را بر میارم و اضافه و بایستی صاحب مال پس بدیم فقط یک موضوع است که الحاق بیهه را که میرا داده این هم در مواد آیه تکلیف معین شده است بنابر این اشکالی نسبت باین ماده نیست

**لایح دلجی** - آقای طهرانچی

**طهرانچی** - بنده عرض این بود که طلبکار وقتی مال را بیهه گذاشت مبادا تصور که آقای عرفانی فرموده این مالزوم نیست که تمام ارزش مال را بیاید قیمت بگذارد و بیهه بدهد البته اگر بفشارد طلب خودش گذاشت اشکالی نیست و اگر زبافتر گذاشت باید با باندا طلب خودش بر دارد و مازاد آن را صاحب مال بدهد این را بنده تصور میکنم که این ماده عادلانه نیست مگر این که شرط باشد که صاحب مال هم حق بیهه را بدهد اگر نتواند که حق بیهه را طلبکار بدهد و وصولی اضافه از طلب خودش را صاحب مال بدهد بدون اینکه صاحب مال حق بیهه را داده باشد این عادلانه نیست (مخبر - اینطور نیست همه چیز که اینجا نیست) بسیار خوب این اختیار اینجا براده شده است ولی بعد میگوید بدهد! اینصورت هرگاه حادثه نسبت به مال زبور و خود خسارتی که بیهه که باید بپردازد تا میزان آنچه را که بیهه بگذارد در تاریخ وقوع حادثه طلبکار است شخص او بیهه صاحب مال تلقی خواهد کرد - در حال خود حق ما استقلال میثاق این کار را بکنند البته حق هم هست اما وقتی میگوید هرگاه خسارتی رخ دهد از خسارتی که بیهه که باید بپردازد تا میزان آنچه را که بیهه بگذارد در تاریخ وقوع حادثه طلبکار است شخص او و بیهه صاحب مال مطلق خواهد گرفت این چه طور میشود آن وجهی که اضافه از طلب اوست چرا باید حق بیهه هم اش را بدهد حق بیهه همان بدیم ولی وقتی خسارتی وارد آمد بدون اینکه صاحب مال حق بیهه بر داشته باشد ما مازاد را که حق بیهه اش را ما نداده ام او ببرد ۱ در اینجا بقیه بدهد که باید یک اشاره بود که حق بیهه را صاحب مال هم باید بپردازد و الا بدون حق بیهه که نبود.

**قاری علی** - يك توضیح مقدمالی بنده این بدیم برای

این مواد حلاً کرانی که میشود مقید است زیرا که در صورت مجلس درج میشود و خودش يك مبنی است در ماده ۳ فرض را در خارج باید بکنیم که تطبیق کند با این یکتک يك مالي را که پیش بنده میآورد وثیقه میگذارد اول این مال را قیمت میکنم معمول است جاهایی که وثیقه میگیرند مثلاً مؤسسه رحمتی خودش يك مقوم دارد وثیقت میکند ولی غالباً بلکه اغلب و عموماً بطور قطع و یقین آن مال را کمتر قیمت میکنند از قیمت حقیقی خودش يك برابری است که - غیر ابط است و فراقی سید تومان می ارزد و نمید تومان میشود مقوم سید تومان قیمت میکند و مطابق ظاهره لائق را میدهد یعنی صد تومان داده نمید تومان مال را و اگر قیمت گرفته این صد تومان را که خودش در اینجا پول داده است این صد تومان را بیهه میکند یا آن سید تومان را که فروش برای مال قیمت تعیین کرده یا آن مال را ۱۹۱ که مال را بیهه میکند باید به قیمت حقیقی مال باشد نه آن قبضی که مقوم تقویم کرده است مقوم نك قیمت کرده نمید تومان را سید تومان قیمت کرده است . در حال این صد تومان را بیهه میکند یا این مالی را که واقفاً ارزش نمید تومان است آن را قیمت میکند . این ۱ کیثت است که در هر يك از این کیثت لایحه يك تکلیف میدهد پند میدهد اگر نمید تومان را بیهه می کند که بدبهي است از صد تومان الی نمید تومان فرض نمید تومان است آن نمید تومان را حق بیهه اش را صاحب انگشتر میدهد به این آدم که نمید تومان حق بیهه میدهد ۱ یا خیر تمام حق بیهه را باید بیهه گذار که مال ترد او وثیقه بوده است بدد . و روزی که انگشتر تلف می شود صد تومان را باید بگیرد با فرغ یکسال و مازاد او باید بيك کسی برسد که حق بیهه نمید تومان او يك دینار هم نداده است البته نمید تومان با بیانن ششبه و این طور فرض کنیم به قیمت مقوم یعنی قیمت مقوم را بیهه میکنند یعنی ششبه تومان باز خودش صد تومان داده پس فرق اینجا دو بیت تومان است حق بیهه این حق بیهه تومان را باز خودش باید بدهد و

آر که مال تلف شد و بیهه که بخارست سید تومان را داد آقوت مازاد برسد صاحب حال باینجا چایک اجناسی است نسبت به بیهه گذار بنا بر اصطلاح این مقدمه را باید يك بمانی برآیند که توضیح شود و روشن شود ما با يك پیشنهادی طرح و تبدیل شود که تکلیف ماهم باشد بیهه گذار و بیهه که خصوصاً تکلیف بیهه گذار و صاحب مال حقیقی که بیشتر اختلافات بین آنها است تکلیفشان معلوم شود چون بیهه که يك مردي است که هر چه حق بهش دادند در آخر میدهد . و مختصری ما باید در جواب آقای عمر غیر کم و آن اینست که ایشان میفرمایند که هیچ بیهه گذاری حق ندارد که يك جنسی را اضافه آنچه که قیمت دارد بیهه بگذارد این خیلی چیز خوبی است ولی اضافه خصوص شده این است که در عمل با حال است با شبه معلوم میشود ۱ بنده يك كتاب خطی دارم این مشورتي است يك امضاء از ملا محمد بلخي صاحب مشورتي پای این كتاب است و این امضاء تصدیق شده است از زمان قوت مولوی تا امروز سلاطین وقت بزبان دنیا يك يك این امضاء را تصدیق کرده اند يك چنین کتابی دارم برای این است که این چند تا امضاء را دارد من میگویم يك ملوین لیره می ارزد از این جن میخوام حکم بگذارم بازار قیاسی فرض این كتاب از نظر کاغذ و ورقه هفت قران دینار است ولی از نقطه نظر این پنج شش امضاء سید هزار تومان قیمت دارد این جا بیهه که چکار کند واقفاً هر دم تقصیر ندارند او میگوید اینقدر قیمت دارد و من میگویم اینقدر قیمت دارم شاید در بازار عرضه و تقاضا هم همین بهایی که من میگویم بفروش برسد این را من باب مثل عرض کردم بعضی اشیاء است در دنیا که قیمت واقعی برای آن پیدا کردیم مثلاً گندم است قیمت آن بسته است به نفتن پول در اهای دنیا همان است يك مثمولى پیدا شود و صد هزار تومان بدهد و يك دینار را بگذرد از نقطه نظر ما صد دینار هم نمی ارزد چون پشت پاکت هم دینتوان چسباند . بجز حال حالا این بیان را در مواد خودش که در سیدیم عرض میکنم و فاجایی که

مقدور باشد زیرا و بالا میبندیم که مطب کاملاً روشن شود و ازینان آنگاه غیرهم من اینطور استفاده میکنیم که ایشان میگویند وقتی مال نقرض شد آن بیهمه که باید خسارت را کاملاً به بیهمه گذارده بدهد بیهمه که مقابل بیهمه گذار است بموجب آن سندی که داده است و آنوقت يك تكلیفی است بین بیهمه گذار و صاحب مال بیان آنگاه مخیر بنظر بنده این طور بود نه این است که بیهمه که قدری از پول را بدهد به بیهمه گذار و مازاد را هم خودش بدهد صاحب مال منظور آن اگر این طور است که اشکال ندارد ولی اگر مقصود آن این نیست که بیهمه که تمام پول را باید اول بدهد به بیهمه گذار البته این يك توضیحی لازم دارد شاید در يك مراد دیگری تکلیفش همین است ولی فعلاً يك توضیحی لازم است که مطلب روشن و شگفته شود

**ولری عدلیه** - بنده هم این مذاکرات را مفید میدانم از نظر اینکه بیهمه یک موضوع خیلی جدیدی است پیش ما و برای تفهیم ذمه این مذاکرات كلك میکنم برای تفسیر این قانون و طرز عمل . اما راجع به این ماده ۷ شاید توضیحی که بنده فیلادام بقدری کوتاه بود ولی اگر به آن توجه میفرمودند کافی بود ( اورنگ - توجه بنده رسا بود ) در توضیحی که آقا فرمودند و مثل که زهد البته يك اشکال هست ولی برای يك حکمی مثل زیاد است اولاً این جا باید يك طلبی را عرض کنم و آن این است که اشتباهی که برای بعضی از آقایان پیدا شده است منجمه آنگاه طهرانی که فرمودند که اگر زیاد تر از میزان طلب بیهمه گذار حق بیهمه مازاد را صاحب مال بدهد این ازین است که ما در ماده قبلم نوشته ایم که بیهمه گذار از بیهمت که صاحب مال باشد هر کسی که نفعی داشت هر کسی که در حفظ يك مالی ضعیف بود فعلاً البته میتوانیم بمسئلت آن نفعی که در آن مال دارد برای خودش بیهمه گذار میکنم است صاحب مال هم باشد طلبکار يك کسی است که يك چیزی را پیش او رهن گذارده اید و از نطفه نظر علاقه که بآن مال از نظر

عرض کنیم . ( اورنگ - خبر درست است دل من تار بك است )

**لایب رئیس - آقای عراقی .**

**عراقی** - اما این که آقای وزیر عدلیه میفرمایند بیهمه یک تازه است البته بیهمه یک امر تازه ایست و لایحه اینی حالا آمده است و هر اموری که از ابتدا واقع میشود تازه است ولی بعد کرم ازین بیان آشنا میشود و يك امر عادی میشود و فعلاً مذاکرات لازم از این جا میشود برای این که حقوق همه محفوظ باشد . فرمودند که ما نظری نداریم که حقوق بین راهن و مرهمن را این جا ذکر کنیم این جا نسبت به جاهل هم نظری نداریم که تکلیف آنرا این جا مبین کنیم ولی احتیاج پیدا کردیم و ذکر کردیم اگر کسی نوشته چهل کرد باید با او چه معامله کرد و این جا اجبار پیدا کردیم که ذکر کنیم که اگر کسی طلب کرد در مال را زیادتر از قیمت واقف بیهمه که در آن عقد باطل میشود چون احتیاج پیدا کردیم این قسمت را ذکر کردیم و هر قسمتی را هم که احتیاج پیدا کنیم و مربوط باریه بیهمه باشد البته باید در این قانون ذکر شود قسمت راهن و مرهمن در اینجا بقدرت بنده طرف احتیاج است و باید در این مورد حقوق بین راهن و مرهمن را مبین کنیم البته آن قسمت که مربوط بهمین حق بیهمه است مثلاً همانطور که آقای طهرانی فرمودند که آن اضافه که از طلب بیهمه گذار است بیهمه آنرا که باید بدهد بقدرت بنده ذکر این مطلب مناسب کامل با این لایحه بیهمه دارد و همچنین در آن قسمتی که بنده عرض کردم مثلاً يك مالی است که نفعد تومان قیمت دارد و نزد کسی ولیقه است به سیمده تومان آن طلب کار از نطفه نظر حفظ حق خودش مال را به سیمده تومان بیهمه میگذارد حالا آدمیان آن مال از بین رفت آن بیهمه که زیاد از سیمده تومان نخواهد داد و حق صاحب مال ازین میروند در صورتی که اگر صاحب حق اطلاع پیدا میکند البته حق خودش را حفظ مینماید طلبکار که به پیش

از سیمده تومان خودش علاقه ندارد ما در این جا نباید بگذاریم که مال صاحب مال هم از بین برود و اطلاع داشتن او هم ضرری منوجه عقد بیهمه نمیکند ممکن است که از اطلاع داشته باشد شاید در حق اضافه بیهمه هم شرکت کند ولی نفعی که چرا شده اصرار دارد که صاحب مال اطلاع نداشته باشد و بنده تصور میکنم که این باب امری باشد که با قانون بیهمه و عقد بیهمه مغایرت داشته باشد و يك امر غیر مربوط به قانون بیهمه را ما اینجا آورده ایم کاملاً این مطلب مربوط به عقد بیهمه است و تصور میکنم اگر اینجا ذکر شود کاملاً مورد خواهد بود .

**مهمیر -** این اشکال را که آقای عراقی فرمودند برای این است که بنده در عرایض رعایت اختصار را میکنم برای اینکه محرمین هم زیاد بجزت بقیقتن و این نکته را بنده عرض کردم که کسی که مالیش او رهن است مسئولیتی ندارد و اگر نفعی و تقریباً نکرده باشد و مال هم تلف شد در مقابل صاحب مال مسئولیتی ندارد اگر اثبات نفعی و تقریب شد مسئولیتی هست و اگر اثبات نفعد مسئولیتی ندارد بنا بر این من جنسی را به رهن گرفته ام چه لازم است که بروم بیهمه بگذارم ( عراقی - مرهمن ضامن حفظ است ) عرض کردم اگر اثبات تقریب و نفعی نفع دیگر ضمان ندارد و اگر اثبات نفعی و تقریب برای من کردید من مسئول . و اگر نفعی و تقریب کردم که در مقابل بیهمه که هم کلاه من نفع است چون آن جا هم می توانم حقی بگیرم ، چون در آنجا هم مسئول حفظ هستم در مال بموجب مواد آینده همین قانون پس همان حقوقی که در مقابل صاحب مال دارم در مقابل بیهمه که هم دارم و نباید بی احتیاطی کنم ، حتی اگر صاحب مال با کسایتی یا اولادش بی احتیاطی کند و مثلاً حریق و خسارتی پیش بیاید باز هم بیهمه که چیزی نخواهد پرداخت چون نفعی و تقریب شده این مطالب این اصل در جای خودش محفوظ است من اگر نمیدانم صاحب مال و مسئولیت دارم که در ماده ششم ذکر شد که کسی که بیهمه میگذارد ممکن است اصل

باشد یا یکی از غنایین قانونی نمایانگی صاحب مال باشد شخص فایده را داشته یا مسئولیت حفظ آنرا داشته باشد چون من مسئولیت حفظ دارم در مقابل صاحب مال بنابر این مسئول ماده شش ختم و مینوانم بیهه بگذارم این ماده هفت هم همینطور میگوید بطوری که آقای وزیر عدلیه هم فرمودند که وقتی رهن نگذاشتند مالی را دیگر من سوء استفاده نکنم و ازشانه از طلب بک چیزی را نکیرم زیرا که من طلب کار هستم و بنایستی هم استفاده کنم و حق خودم برسم امانه مزاد بر آن چه که حق دارم اگر مزاد گرفت در صورتیکه مال بیشتر می ارزید این تعاقب میگیرد صاحب مال را امداد عیاض آنچام قید کردم که در تاریخ وقوع عادی حساب من نکنند هر قدر طلبکار طلب دارد که بریزد در این حساب میاید و آخرین اقساط را حساب میکنند اگر کمتر گرفته که اختلاف حساسی با صاحب مال ندارد اگر بیشتر گرفته که اقساط طلب را حساب میکنند و میدهند طلبکار و مزادش را صاحب مال رد میکنند بنابر این اشکالی ندارد نشدیه .

**لایح رئیس - آقای دکتر جوان**

**دکتر جوان -** راجع باین ماده هفتم سه اشکال کردند آقایان . یکی اینکه طلبکار ممکن است مال را بیکتر از قیمت واقعی خودش بیاید و بیهه بدهد و بعد از آنکه حادته واقع شد و مال از بین رفت اوگ حق خودش را استیفاء می کند و در نتیجه صاحب مال متضرر میشود بقدر تفاوتی که بین مبلغ اصلی و آنچه که آن شخص داده است و بک اشکال هم آقای طهرانی چیزی کردند که چه مناسبت این حق بیهه را که بایاد صاحب مال بدهد طلبکار اینجا مکلف باشد بدهد یا اشکالی هم آقای اورنگ فرمودند در خصوص تقدیر مال بنده آنچه که فرمودیم این است که اشکال آقای عراقی اگر ماده بصدی بود وارد بود ولی در ماده دیگر این اشکال و فو قیظ ایشان تأمین شده و دیگر نگرانی نباید داشته باشد برای اینکه در ماده هم می رود که اگر کسی طلب را بدهد کمتر از قیمت واقعی بیهه کرد ممکن است نسبت به بقیه و مایه التفاتت مجدداً آن مال

بیهه شود یعنی ممکن است کسی مالی را که فرساخته از برهان قیمت دارد نزد چهار بیهمکه سه بیهه کر این را بیهه بگذارد با این ترتیب بنده تصور میکنم دیگر اطلاع صاحب مال از مزایای است زیرا آن کسی که طلبکار است بالاخره این مال را بفراغدار طلب خودش بیهه داده است بنابرین حق خودش را حفظ کرده است و هر موقعی که صاحب مال مطلع شد که مال از بیهه افتاده است و بقیه بیهه نیست و ممکن است خسارتی بار وارد شود مطابق ماده نهم می رود و نسبت ببقیه قیمت واقعی مالش را بیهه می گذارد و ماده نهم که بعداً ذکر میشود می نویسد: «در صورتیکه مالی به کمتر از قیمت بیهه شده باشد نسبت ببقیه قیمت می توان آن را بیهه نمود» پس این می رود نسبت به بقیه این مال مجدداً بایزاد همان بیهه کر بیا بیهه بیهه میکنند و از خسارت مال خودش جلوگیری میکنند . اما آن اشکالی که آقای طهرانی می فرمودند چون اصولاً هر کسی را بیهه اقدامی میکنند برای حفظ حقوق و استیفاء حقوق خودش است طلب کار اگر می خواهد حق بیهه زیاد بدهد می تواند نسبت بآن میزان طلبی که دارد مال را بیهه بگذارد و نسبت به بقیه هم همان طور که عرض کردم صاحب مال می تواند نسبت باضافه قیمتش که مال دارد برود و بیهه بگذارد پس اشکالی ندارد که همان تفاوت بیهه را خود صاحب مال بپردازد . اما اشکال آقای اورنگ که فرمودند مال چطور نوزوم میشود در موقعی که بیهه گذارده میشود اولاً طلبکار بیهه را وزیر عدلیه فرمودند در بیهه بک اصل کلی است که مال اضافه بر قیمت واقعی تقویم نمیشود و اگر معلوم شد که اضافه تقویم شده در این جا بک اشکالی برایش معین شده است . حال اگر آمدند و قیمت در موقع تقدیر اراد گذاشتند چون اصولاً موقعی که جبران خسارت میشود فقط بیزان خسارت وارد است یعنی وقتی خسارتی وارد شد در اثر بک حادته و می خوانند میزان خسارت را حساب و معین کنند البته مال خیره رجوع می کنند و بک قواعدی دارد حالا اگر با بگردد یعنی خیره اشتباه می کنند این هم بر حسب بک اشکال بود و در صورتی است که قانون ذکر کرده اگر هم اصل خیره

اشتباه کردند این تفتیشیه برای جبران بک خسارت نظاری است و بیا هر دو هم قطع و فصل میشود و در کمیسیون هم همینطور ملاحظه کرد شد و بنظر بنده این اشکالات وارد نیست (عده از راه پیشنهادکنان - مذاکرات قضائی است)

**لایح رئیس -** رأی میگیرم بیهه هفتت آقایانی که موافقت اظهار موافقت میفرمایند (اکثر قیام کردند) تصویب شد ماده هفتم:

**ماده ۸ -** در صورتیکه مالی بیهه شده باشد در حدلی که بیهه باقی است می توان همان مال را بنفع همان شخص و از همان خطر مجدداً بیهه نمود.

**لایح رئیس -** آقای کاشف

**کاشف -** عرض کنم که بنده اصولاً اشکالی نمی بینم زیرا سابقاً بک پیشنهادی داده بودم ولی اگر توشیحی داده بشود برای تأمین نظری که آقایان در ماده قبل داشتند خوب است و حل میکند مطلب را . برای اینکه در صورتیکه بک مالی که رهن است بیک مبلغی که بیهه داده میشود که از مبلغ حقیقی است و البته رهن می تواند نسبت به بقیه قیمت مال محاسباتی که گفته شد مجدداً بیهه کند و چون ممکن است که این سوء تقاضی پیش بیاید سوء تعبیری پیشوایدین معنی که اگر رهن خواست تفاوت مابین قیمتش که هرگز بیهه کرده است با قیمت حقیقی آن را مجدداً به بیهه بگذارد اعم از اینکه نزد همان کفالتی یا کفالتی بیهه کر دیگر باشد ممکن است اگر این چاقو توشیحی شده باشد باستناد همین ماده بیهه کر اظهار کند که چون این بک مال است و از بک خطر است و از بک کسی است ولو اینکه مال مال دیگری است و شخصش شخص دیگری است من این کار را نمیکند این عمل را نمیکند و مندرج است منظور بنده این است که آقا توضیح بدهند که اگر تفاوت این مبلغ را یا هر بیهه دیگری که واجد این شرایط بود ولی شخص او شخص دیگری بود اگر بقیه قیمت واقعی همان مال را خواست برای قسمت بیهه نسبت بیهه بیهان خسارت و خطریا خطر دیگری بخواهد بیهه کند (صورت میبکتم هیچ مایه

توضیح دادند و توضیح هم هست ) بنواند بیهه بدهد البته این اشکالی ندارد و من بطور هم هست ولی سوء تقاضی میشود که بیهه کر بگوید چون واجد این شرایط نیستند و بکمال است من بیهه نمیکند این قسمت اگر حل شود یعنی توشیحی داده شود تصور میکنم نظر آقایان هم نسبت بآن ماده هفتم تأمین شده است البته وقتی که رهن مطلع شد مال از بک قسمت بیهه شده است می تواند بابت بقیه قسمت هم بیهه بکند (صحیح است)

**ولیر عدلیه -** بنده خیال میکنم که عبارت خیلی واضح است و آقای کاشف هم احتیاط شان زیاد بوده است که این توضیح را خواستند از بنده چون ما توشیح در ماده که بنفع همان شخص و از همان خطر همان شخص مادم است و با آن توشیحی هم که قبلاً داده بودم که لازم نیست بیهه کلان حتماً صاحب مال باشد بلکه هر کسی هر نفس نسبت بهر مالی دارد می تواند بنفع خودش آن مال را بیهه بگذارد پس این بدیهی و واضح است که طلبکار نسبت بطلب خودش و صاحب مال نسبت باصل مال و هر کسی دیگری که هر علاوه بر غرضی که نسبت بنالی دارد می تواند بیهه بگذارد و این جواب بیانات سابق آقای عراقی را هم میدهد و اشکالی ندارد.

**لایح رئیس -** رأی میگیرم بیهه هفتت آقایانیکه موافقت اظهار موافقت میفرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد ماده نهم:

**ماده نهم -** در صورتیکه مالی بیکتر از قیمت بیهه شده باشد نسبت ببقیه قیمت می توان آنرا بیهه نمود در این صورت هر بک از بیهه کران نسبت بمبلغی از مال که بیهه کرده است مسئول خواهد بود.

**لایح رئیس -** نظری نیست ( اظهاری نند ) رأی میگیرم بیهه نهم آقایانی که موافقت اظهار موافقت میفرمایند (عده زیادی برخاستند) تصویب شد ماده دهم:

**ماده دهم -** در صورتیکه مالی کمتر از قیمت واقعی بیهه

شده باشد بیهمه که فقط به تناسب مبلغی که بیهمه کرده است باقیمت واقعی مال مسئول خسارت خواهد بود.

**لایحه رئیس** - آقای دکتر طاهری فرمایشی داشتید؟  
**دکتر طاهری** - عبارت این ماده درست مفهوم نمیشود شاید اشتباهی داشته باشد باید توضیح داده شود؛ میگوید:  
 «در صورتی که مالی بکسر از قیمت واقعی بیهمه شده باشد بیهمه که فقط به تناسب مبلغی که بیهمه کرده است باقیمت واقعی مال مسئول خسارت خواهد بود» معانیش را بنده نفهمیدم خوبست توضیحی آتی مخیر با آقای وزیر بدهند.

**مخیر** - بایک مثالی قضیه روشن میشود؛ فرض بفرمایید اتومبیلی را بیهمه کرده بد مبلغ پنجاه هزار ریال در حالتی که اتومبیل صد هزار ریال قیمت دارد یعنی معادل نصف قیمت واقعی بیهمه شده حال اگر خسارتی ایجاد میشود که بایستی آن بیهمه کرد بر دوازده خسارت را می بینند و معین می کنند حساب می کنند که خسارت بیست هزار ریال است خوب در صد هزار ریال اصل قیمت مال باید بیست هزار ریال بدهد اما در پنجاه هزار ریال چندتر و یک متناسب ساده قضیه را حل میکند بدینوسیله است باید نصف آن مبلغ را بدهد یعنی ده هزار ریال پس خسارت هم متناسب با همین مبلغی است که به بیهمه گذارده شده البته اگر جنس گرانتر بیهمه گذارده شده بود خسارت را بیشتر میکرد ولی چون تمام قیمت را تقویم نکردند و بیهمه نگذاشتند البته اگر تمام قیمت بود او حق بیهمه را بیشتر می گرفت و تمام خسارات را هم میرداخت ولی حالا که

نصف مبلغ را تقویم کرده اند و بکسر گذاشته اند خسارت متناسب با اصل قیمت است اما آنچه بنده میپرودازم باید به نسبت اصلی تقویم بر دوازده پس خسارت با اصل قیمت یک نسبت معینی دارد و مبلغ تعهد من باقیمتی که بیهمه کردیم خسارت میدهد یک نسبت دیگری (صحیح است)

**لایحه رئیس** - موافقین با ماده دوم اظهار موافقت میفرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. چنانچه آقایان موافقت می فرمایند بقیه شور بمانند برای جلسه آینده (صحیح است)

[ ۵ - تصویب يك فقره مرخصی ]

**لایحه رئیس** - يك فقره غیر مرخصی رسیده است قرائت می شود:

آقای مسعودی نماینده طهران بواسطه لزوم مسافرت به خوزستان تقاضای مرخصی بیست و شش روز از تاریخ ۱۹ اسفند ۱۳۱۵ نموده اند کمیسیون عرضی موافقت نموده اینک خبر آن تقدیم میشود.

**لایحه رئیس** - مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد) رأی میگیریم بمقتضای این خبر آقایانکه موافقت دارند اظهار موافقت کنند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد.

[ ۶ - مواقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه ]

**لایحه رئیس** - چنانچه اجازه میفرمایند جلسه آتی پنجشنبه ۵ اردیبهشت سه ساعت قبل از ظهر دستور لایحه موجوده (صحیح است)

(مجلس بیست دقیقه قبل از ظهر ختم شد)

نایب رئیس مجلس شورای ملی - مرتضی بیات

## قانون

اجازه اجرای ارایح قانونی پیشنهادی وزارت عدلیه پس از تصویب کمیسیون فرابین عدلیه

**ماده واحده** - وزیر عدلیه مجاز است ارایح قانونی را که بمجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید پس از تصویب کمیسیون فعل فرابین عدلیه بملغ اجرا گذارد و پس از آزمایش آنها در عمل نواقسی را که ضمن جریات ممکن است معلوم شود رفع و فرابین مزبور را تکمیل نموده ثانیاً برای تصویب به مجلس شورای ملی پیشنهاد نماید ارایح مزبور در کمیسیون مطرح و پس از شور اول ملغ و توزیع خواهد شد تا نمایندگان نظریات خود را در موضوع لایحه در ظرف هشت روز از تاریخ توزیع به کمیسیون بدهند و شور دوم بعد از انقضای هشت روز بعمل آید.

این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه بیست و نهم فروردین یک هزار و سیصد و شانزده بصوبه مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری